

جایگاه غدیر در شکل گیری تاریخ شیعه

دیگر می‌رسد. در اینجا هم بحث ولایت فقیه مطرح است که بر اساس چهار چوبی که در حکومت دینی به عنوان مردم سالاری دینی تعریف شده است نوعی تلفیق بین نوعی نص با نوعی انتخاب قابل قبول است.

یک فرض سوم هم هست و آن این که اگر شرایطی بود که احتمال روی کار آمدن ولی فقیه نبود، به هر دلیل، در آن صورت، راه انتخاب توسط مردم هموار می‌شود. برای مثال اگر در عراق امروز امکان آن نبود که نظام ولایت فقیه باشد، مطمئناً به لحاظ شرعی اجازه داده می‌شود که این انتخاب توسط مؤمنین صورت پذیرد. تازه همین که مرجعیت شیعه بپذیرد خودش به معنای مشروعیت آن است. اما این که نظریه اهل سنت با دمکراسی به معنای معمول آن در غرب نزدیک باشد باید عرض کنم آنچه که اهل سنت در متون قدیم در باب شرایط خلیفه گفتند، شرایطی نیست که چندان قابل تطبیق با نظامات دمکراسی جدید باشد. برای همین است که هزار سال دستگاه خلافت عباسی و عثمانی به صورت ارثی و در واقع نظام سلطنتی بوده کسی هم در آن تردید نکرده است. الان هم در بسیاری از کشورهای سنی، همان نظام سلطنتی هست کسی هم آن را مخالف با عقیده اهل سنت نمی‌داند. به علاوه که بسیاری از تئوریسین‌های اهل سنت یکی از شرایط خلافت را اجتهاد می‌دانند که از برخی جهات نزدیک به نظریه شیعه است.

جایگاه غدیر در شکل گیری تاریخ شیعه

غدیر هسته مرکزی معتقدات شیعه در چهار چوب اعتقادش به اسلام است. در واقع اصل اسلام، توحید و نبوت و معاد است؛ اما اینها در دایره ولایت مفهوم می‌یابد و این ولایت هم متکای اصلی اش حدیث غدیر است. در اسلام ولایت، معتقدات دینی و فرائض عملی در چهار چوب اعتقاد به ولایت الهی و پس از آن ولایت نبی و وصی مفهوم اصلی خود را دارد. البته عبادت دیگر انسانها هم عبادت است. شکل عالی و ایده آل آن همین است که عرض کردم. شیعه و در رأس آنها در سرخط تاریخ تشیع، عمار و سلمان و ابوذر و مقداد دنبال همین حدیث غدیر بودند و ولایت خویش را با امام علی (ع) استوار کردند. در همین تاریخ طبری هست که به جز عامه مردم که در وقت خلافت امام با آن حضرت بیعت کردند دسته‌ای بر اساس «ولایت» و این که ما بر این اصل که با دوستان تو دوست و با دشمنان تو دشمن باشیم بیعت می‌کنیم. شرطه الخمیس اصحاب نزدیک و ولایی حضرت بودند. تشیع از این جا آغاز شد. اشعار اصحاب امام علی (ع) در صفین مبتنی بر کلمه وصایت است. آنان علی را وصی رسول خدا (ص) می‌دانستند. بسیاری از آنان حدیث غدیر را در اشعار خود که برابر امام می‌خواندند درج می‌کردند. اصلاً امام علی در اولین وقت ورود به کوفه در مسجد کوفه مردم را جمع کرد و فرمود هر کس که در حادثه غدیر بوده است بر خیزد و شهادت دهد که گروه زیادی برخاسته شهادت دادند. تشیع از همین جا آغاز شد و بعد ادامه یافت.

تاریخ تشیع

هر مذهبی در طول تاریخ به تناسب مسائلی که در برابرش مطرح شده دیدگاههایی را طرح کرده است. به علاوه هر مذهب و آیینی از زمانی که در اختیار مردم قرار می‌گیرد بسا گرفتار تحریف و انحراف در بخشی از اجزا خود شود. به نظرم نه اصل اسلام، نه تشیع و نه آیین‌ها و فرقه‌های دیگر از این روال کلی دور نبوده‌اند. بسیاری از اوقات عوام مردم به دلیل نبودن راهنما و مفسر واقعی دین، آیین خود را به سمت و سویی برده‌اند که با اصل و اساس آن سازگاری ندارد. البته تشیع هم از این قاعده کلی مستثنا نیست. بسیاری از غالیان شیعه در زمانی که امامان در محدودیت سیاسی بوده و اجازه نداشتند رهبری شیعه را با قدرت تمام انجام دهند، توانستند در صفوف شیعیان رخنه کرده و افکار انحرافی خود را در آن وارد کنند. اما به نظرم این قبیل انحرافات هیچ گاه شیعه را از مدار اصلی خود خارج نکرده است. دلایلش هم این است که از ابتدا اصحاب امامان و بعدا علمای شیعه با دقت به ثبت و ضبط احادیث و نقد و بررسی آنها پرداختند. هر بار هم که انحرافی روی می‌داد، برابر آن موضع می‌گرفتند به همین دلیل بود که امامان، شیعیان غالی را کافر خطاب کردند، زیرا آنان الوهیت را که خاص حضرت باری بود به امامان یا خودشان نسبت می‌دادند در جامعه شیعه، گاه اخباری گری غلبه داشته و گاه اصول گرایی. هر بار که اصول گرایی در عقاید و احکام غلبه می‌کرده شیعه به خط اعتدال نزدیک تر بوده است اما هر گاه که اخباری گری و ظاهر بینی غلبه می‌کرده زمینه برای انحراف فراهم بوده است. در زمان ما هم برخی نشانه‌های ظهور ظاهر بینی به چشم می‌آید.



امامت منصبی الهی

بسیار روشن است که شیعه، به نص و تصریح از ناحیه خداوند بر امامت علی بن ابیطالب (ع) اعتقاد دارد و به همین دلیل هم خداوند، تعیین ابراهیم را به عنوان امام به خود نسبت داد و فرمود: «نی جاعلک للناس اماماً». بحث بر سر این است که به لحاظ مبنای عقلی، امامی که خداوند نصب کند، به یقین لایق تر و شایسته‌تر از امامی است که از راههایی مثل انتخاب مردم تعیین شود. این مسئله یک مبنای عقلی و عقلایی دارد و هیچ قابل تردید نیست. این‌سینا هم در بخش الهیات شفا، تصریح می‌کند که هر عاقلی می‌داند که تا وقتی خداوند امام را تعیین کند نوبت به مردم نمی‌رسد. اما اگر وضعیت به گونه‌ای بود که امام منصوب و منصوب غایب بود، نوبت به تعیین امام از راههای





لفظ قربانی از ریشهٔ قرب، به معنای چیزی است که باعث نزدیکی به خدا می شود و در اصطلاح، تقرب جستن به خدا یا خدایان یا قوای فوق طبیعی، به وسیلهٔ پیشکشی را قربانی می گویند.

اولین مردم شناسی که به طور علمی به تحقیق در زمینه قربانی پرداخت، ادوارد بارنت تایلور (۱۸۳۲-۱۹۱۷) بود او معتقد است که قربانی، هدیه‌ای به موجودات ماورای طبیعی بوده، تا علاقه آنها به قربانی کنندگان جلب شود و یا دشمنی آنها را کاهش دهد.

• تاریخچهٔ قربانی در دوران باستان:

بشر همواره در پی ایجاد پیوند میان خود و مقدساتش بوده است. اگر چه برخی انسان‌ها به خاطر ترس خود از عوامل طبیعی، نظیر صاعقه یا زلزله با تقدیم هدایایی به خدایان سبب آشتی ایشان یا جلب محبت آنها می شدند.

در عهد باستان قربانی، هدایا و خوراکی‌هایی بود که به سبب ترس از اموات با مردگان دفن می کردند و طی زمان، ارواح نیاکان مورد احترام واقع می شدند. از جمله قربانی‌های عهد باستان، می توان از گوشت، غلات، میوه‌ها، شراب‌ها و روغن نام برد.

پیشینهٔ قربانی در ادیان مختلف

* تهیه و تنظیم: ملیحه پژمان

* قربانی در اسلام

در شریعت اسلام، قربانی رسمی متداول است. انگیزهٔ شارع اسلام از انجام مراسم قربانی، با انگیزهٔ بسیاری از ادیان و اقوام دیگر متفاوت است. برخلاف بسیاری از ادیان و اقوام، به ویژه دین یهود که غرض از ذبح و سوزاندن را تقدیس خون قربانی و رسیدن بوی حاصل از آن به مشام خدا می‌داند، اسلام به هیچ روی، این عقیده را نمی‌پسندد. قربانی کردن در اسلام، قبل از هر چیز به خاطر یاد خدا مورد توجه است. با ذکر نام خدا که هدف نهایی قربانی و قرب و نزدیکی به اوست، مرز ایمان و شرک مشخص می‌گردد. در آیهٔ ۲۸ سورهٔ حج از قربانی با کنایه اسم خداوند یاد شده است: «و یذکروا اسم الله فی ایام معلومات علی ما رزقهم من بهیمه الانعام فکلوها منها و اطعموها البائس الفقیر» «و نام خدا را در ایامی معین یاد کنند که ما آنها را از حیوانات بهائم (شتر و گوسفند و غیره) روزی دادیم تا از آن تناول کرده و فقیران بیچاره را نیز اطعام دهند».

فخر رازی می‌گوید: «ذکر نام خداوند متعال در اینجا، کنایه از ذبح و نحر است؛ زیرا مسلمانان هنگام تحر و ذبح، نام خدا را ذکر می‌کنند و در این مطلب تنبیه است بر اینکه غرض اصلی در آنچه به وسیلهٔ آن تقرب به خداوند حاصل می‌شود، ذکر نام خداست و اینکه با مشرک‌گانی که برای بته ذبح می‌کردند، مخالفت شود».

«و لکل امة جعلنا منسکاً لیذکروا اسم الله علی ما رزقهم من بهیمه الانعام فاکلکم اله واحد فله اسلموا و بشر الاممختین» (حج: ۳۴) «و ما برای هر امتی، شریعت و مراسمی مقرر فرمودیم تا به ذکر نام خدا پردازند که آنها از حیوانات بهائم یعنی گاو و گوسفند و شتر، روزی داد پس بدانید که خدای شما خدایی است یکتا. همه تسلیم فرمان او باشید و ای رسول ما! متواضعان و خاشعان را بشارت ده». کلمهٔ منسک از ظاهر جمله «لیذکروا اسم الله» تا نام خدا ببرند، برمی‌آید که مصدر میمی و به معنای عبادت باشد. عبادتی که مشتمل بر قربانی و ذبح هم هست و معنایش این است که ما در امتهای گذشته، آن‌هایی که ایمان داشتند، عبادتی و پیشکش قربانی قرار داده بودیم. تا آنان نیز نام خدا بر بهیمهٔ انعام که خدایشان روزی کرده بود ببرند، و خلاصه شما پیروان ابراهیم، اولین امت نیستید که بر آنها قربانی مقرر شده، بلکه برای قبل از شما هم مقرر شده بود. صاحب «مجمع البیان» نیز این را دلیلی بر عدم اختصاص قربانی بر امت اسلام می‌داند و معتقد است ذکر تسمیه (بسم الله) در هنگام ذبح قبلاً تشریع شده است.

البته معنای منسک، وسیع‌تر از قربانی است و دیگر عبادات، مخصوصاً مناسک حج را در برمی‌گیرد؛ اما در این آیه، به قرینهٔ «لیذکروا اسم الله» معلوم می‌شود که منظور، همان قربانی است. فخر رازی ذیل این آیه می‌گوید: «معنای آیه این است که برای هر امتی از امتهای گذشته، از زمان ابراهیم به بعد، نوعی از قربانی قرار

* انحرافات آیین قربانی:

همان‌طور که بسیاری از انسان‌ها، در پرستش از فطرت دور شده، به عبادت خورشید و حیوانات یا بته‌ها روی آورده‌اند؛ عده‌ای نیز آیین قربانی را دست‌خوش امیال یا توهمات پوچ خود گردانند. اموال مردمی که در پای بته‌ها به عنوان قربانی آورده می‌شد، به دست پلید موبدان معابد به یغمارفت و بدتر از آن، آیین‌هایی که قربانی خدایان دروغین خود را جان کودکان معصوم و بی‌گناه قرار داد، به عنوان مثال، در بین سامی‌های آسیای غربی، پادشاه در مواقعی که مملکت در معرض خطری بود، پسر خود را فدای قوم خویش می‌کرد. وقتی پادشاه «موآب» (Moab)، مورد هجوم اسرائیلیان قرار گرفت و حلقهٔ محاصره تنگ شد، پسر ارشدش را که قرار بود جانشین وی شود، گرفت و دستور داد در قربان گاه شهر - به عنوان فدیة ای به حضور خدایان - پیکر او را بسوزانند».

این موضوع حتی در اقوام پیشرفته‌ای همچون آزتک‌ها (Aztec) و اینکا (Inca) های کشور پرو مشهود بود. کیش و آیین قربانی کردن بچه‌ها در پرو (مکزیکوی قدیم) رواج عظیمی داشته است. در پرو ادعا شده است که با تشکیل حکومت و روی کار آمدن هر اینکای جدید، تا هزار طفل قربانی می‌شدند.

* آیینی در آیین یهود:

این آیین در کتب مذهبی یهود، در فصل قدشیم (مقدسات) مطرح است. پیروان یهود طی مناسکی ویژه، برای توبه، اعتراف، تقدیس، کفاره و شکرگزاری به ایجاز قربانی، اعم از خونی و غیر خونی می‌پرداختند. برخی از این آیین‌ها عبارت‌اند از:

قربانی سوزاندن: این نوع قربانی را «لولا» (بالا رونده) می‌نامیدند. چون